

ترجمه و تعریب

ترجمه و تعریب

شرط اساسی در ترجمه و تعریب دانستن زمان فعل‌ها و شناخت لازم یا متعدی بودن آنها، سپس ترکیب‌های وصفی و اضافی و نیز ترجمه حروف در عربی و ... می‌باشد که چکیده‌ای از این مطالب در زیر خواهد آمد

ابتدا نکاتی راجع به ترجمه افعال ماضی

- ماضی ساده = بر زمان گذشته دلالت دارد. ذَهَبَ = رفت، أُرْسِلَ = فرستاد

لم + مضارع مملووم = لَمْ يَذْهَبْ = نرفت یا نرفته است

ماضی منفی

ما + ماضی = مَا ذَهَبَ = نرفته است

• .

توجه داشته باشید که ماضی منفی به صورت نقلی منفی نیز ترجمه می‌شود

- ماضی نقلی: قد + ماضی = قَدْ ذَهَبَ = رفته است. [به صورت ماضی ساده نیز ترجمه می‌شود ولی با تأکید] مطمئناً رفت

- (ماضی بعید: کان + قد + ماضی = كَانْ قَدْ ذَهَبَ = رفته بود (آوردن قَدْ الزامی نیست

- ماضی استمراری: کان + مضارع = كَانْ يَذْهَبُ = می‌رفت

نکاتی راجع به افعال مضارع در ترجمه

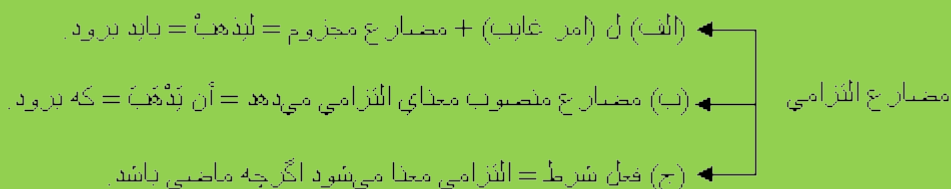
- مضارع ساده: معادل مضارع اخباری در فارسی ترجمه می‌شود. يَذْهَبُ = می‌رود

- مضارع منفی: ما + مضارع / لا + مضارع مرفوع = مَا يَذْهَبُ / لَا يَذْهَبُ = نمی‌رود

- مضارع مستقبل = س - سوف + مضارع = سَيَذْهَبُ = خواهد رفت

سوف يَذْهَبُ = خواهد رفت

- مستقبل منفی = لَنْ + مضارع منصوب = لَنْ يَذْهَبَ = هرگز نخواهد رفت



مَنْ يَدْرُسُ يَنْجَحُ) یا (مَنْ دَرَسَتْ تَنْجَحُ) هر که درس بخواند موفق می‌شود)

• جواب شرط = معنای مضارع اخباری می‌دهد

- حرف (لَ) اگر بر سر فعل مضارع بیاید معنای زمان حال می‌دهد. لأَذْهَبُ = الآن می‌روم
- حرف (لَ) بر سر خبر إِنَّ و أَنْ معنای قطعاً و مسلماً می‌دهد. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ = انسان قطعاً در زیان است
- حرف (لَ) و اسم اند در ابتدای جمله معنای «دارد» می‌دهد. لِي آمَالٌ = آرزوهایی دارم
- كَانَ لَ) معنای «داشت» می‌دهد. كَانَ لِي آمَالٌ = آرزوهایی داشتم)
- فعل‌های معطوف به فعل ماضی بعید یا استمراری در همان معنای بعید یا استمراری معنی می‌شوند. اگر چه كان... نداشته باشند. كَانِ الصَّادِقَانِ يَتَجَوَّلَانِ وَيَسْتَمَعَانِ : دوستان گوش می‌کردند و بهره می‌بردند
- اگر موصوفی، مضاف‌الیه داشته باشد، آن مضاف‌الیه پس از صفت ترجمه می‌شود. لَغَةُ الْمُسْلِمِينَ الْمَشْتَرِكَةُ = زبان مشترك مسلمانان، عطشه الشديد = تشنگی شدید او
- اسم لما بر سر ماضی معنای هنگامی که، می‌دهد: لَمَا ذَهَبْتُ = هنگامی که رفتم
- حرف لما + مضارع مجزوم = ماضی نقلی منفی: لَمَا يَذْهَبُ = هنوز نرفته است
- لای نفی جنس معنای (هیچ ... نیست) می‌دهد. لَأَشَىءَ أَحْسَنُ مِنَ الْعَفْوِ = هیچ چیز بهتر از گذشت نیست
- إِنَّ در ابتدای جمله معنای «همانا» «به راستی که» می‌دهد ولی اگر ترجمه نشود اشکالی ندارد. إِنَّ الْمَعْلَمَ فِي الصَّفِّ = معلم در کلاس است یا «همانا» معلم در کلاس است
- أَنْ در وسط جمله معنای این است که می‌دهد. اعْلَمِ أَنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ = بدان که خدا نسبت به بندگان بیناست
- ضمیر (نَحْنُ) می‌تواند برای مثنی (مذکر و مؤنث) و جمع (مذکر و مؤنث) ترجمه می‌شود. نَحْنُ مُعَلِّمَانِ = ما دو معلم هستیم. نَحْنُ مُعَلِّمُونَ = ما چند معلم هستیم
- فعل‌هایی که پس از آن‌ها حرف جر (بِ) می‌آید متعدی معنا می‌شود
- شَعَرَ بِ / احساس کرد / أَخَذَ بِ = گرفت / ذَهَبَ بِ = برد / جَاءَ بِ = آورد
- پاره‌ای از فعل‌ها با حرف جر خاص به کار می‌روند. مثل: حَصَلَ عَلَيَّ، عَزَمَ عَلَيَّ بَحْثَ عَنْ، أَصَابَ بِ، أَذِنَ بِ، أَعْرَضَ عَنْ، ... رَاغِبٌ عَنْ، تَعَرَّضَ لِي، اسْتَمَعَ إِلَيَّ و
- گاهی مفعول در عربی همراه حرف متمم در فارسی ترجمه می‌شود

ساله = از او پرسید جاهد المشركين = با مشركان . نال غايته = به هدفش رسيد . بلغت المنزل = به خانه رسيدم .
جهاد كن

گاهی مصدر به صورت فعل ترجمه می شود: قصدت الرجوع الى المنزل = خواستم به منزل برگردم. يَجِبَ عَلَيَّ
الاسراع = بر من واجب است بشتابم

اسم نکره با (يك) یا (ای) ترجمه می شود. رجلٌ = مردی ، يك مرد

اسم معرفه به صورت معمولی یا با کلمه‌ی (آن) ترجمه می شود. الرجلُ = مرد. آن مرد

. هولاء + اسم با ال دار = معنی (این) می دهد. هولاء الرجال = این مردان *

.... هولاء + اسم بی ال = معنی (این‌ها) می دهد. هولاء رجالٌ = این‌ها مرد هستند *

من موصول = کسی که / کسانی که *

ماي موصول = چیزی که / چیزهایی که *

من شرط = هرکسی / هرکس *

ما شرط = هرچه / هرچیزی *

من استفهام = چه کسی؟ *

ما استفهام = چه چیزی؟ *

مخصوص علوم انسانی [مای تعجیبی معنای «چه» «چه قدر» می دهد. ما اجمل الربيعَ بهار (چه) (چه قدر)]
زیباست!

إنما برسر جمله اسمیه معنای قطعاً و مسلماً می دهد. إنما المؤمنون اخوةٌ = مسلماً مؤمنان برادرند

إنما برسر جمله فعلیه معنای تنها فقط می دهد. إنما يذكرَ... المؤمنون = فقط مؤمنان خدا را به یاد می آورند

فعل‌های مجزوم که پس از فعل طلب (امر، نهی) می آیند به صورت التزامی ترجمه شده و قبل از آنها [تا] می آید.
اجتهد تَنْجَحْ = تلاش کن تا موفق شوی

کلمه‌ی هناك در ابتدای جمله معنای (وجود دارد) می دهد هناك آمالٌ = آرزوهایی وجود دارد. ولی در غیر این صورت
غالباً معنای (آن جا) می دهد. رأيت التلاميذ هناك = دانش آموزان را آن جا دیدم

ضمير فصل معنای (همان و تنها) می دهد. الله هو الغنى = تنها خدا بی نیاز است

ضمير منفصل بعضی در ابتدای جمله معنای (تنها) می دهد. اياك نعبدُ = تنها تو را می پرستیم

جار و مجرور ابتدای جمله معنای (فقط و مسلماً) می دهد. الى المصيرُ = مسلماً بازگشت به وی خداست

كُلٌّ + نکره = معنی (هر) می دهد = كُلُّ طالبٍ = هر دانش آموزی *

كُلٌّ + جار و مجرور = معنی (هریک) می دهد = كُلٌّ من الطلبةِ = هر يك از دانش آموزان *

كُلٌّ + معرفه = معنی (همه) می دهد = كلُّ الطالبِ = همه دانش آموزان *

مفعول مطلق تأکیدی معنای (مسلماً، قطعاً) می‌دهد.

مفعول مطلق } مفعول مطلق نوعی یا صفت همیشه به عنوان (فعل) معنا می‌شود ،
و مفعول مطلق نوعی یا مضاف‌الیه معنای (به مانند) نه مثل، هم چون () می‌دهد

- حال مفرد به صورت قید حالت و حال جمله اسمیه معمولاً به صورت ماضی بعید و حال جمله فعلیه با فعل مضارع به صورت ماضی استمراری و حال جمله فعلیه همراه با قد + ماضی به صورت ماضی بعید و ماضی ساده ترجمه می‌شوند البته، جمله حالیه همراه با کلمه «درحالی که» یا «که» ترجمه می‌شود. جاء الرجل مُتَبَسِّمًا = مرد خندان آمد. جاء الرجل و قد تَبَسَّمَ = مرد آمد در حالی که لبخند زده بود. جاء الرجل يَتَبَسَّمُ = مرد آمد درحالی که می‌خندید.
- جمله وصفیه: با (که) ترجمه شده و اگر فعل اصلی ماضی و فعل جمله وصفیه مضارع باشد به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.
 - اگر فعل اصلی مضارع و فعل جمله وصفیه نیز مضارع باشد به صورت (التزامی) ترجمه می‌شود.
 - غالباً تمییز پس از اسم تفضیل به صورت تفضیلی ترجمه می‌شوند. هُوَ أَكْثَرُ فِی عِلْمًا = او داناتر از من است
 - در استثنای مفرغ می‌توانیم جمله منفی را به صورت مثبت ترجمه می‌کنیم ولی این جمله باید کلمه (فقط) [به صورت مؤکد] را داشته باشد. لا تَطَلُّبُ إِلَّا الْحَسَنَاتِ = فقط خوبی‌ها را طلب کن
 - مفعول له = معنای به خاطر، به علت و برای، می‌دهد
- تمییز پس از فعل، معنای از نظر - از جهت، می‌دهد و در صورتی که در اصل فاعل باشد به شکل فاعل و در صورتی که در اصل (مفعول به) باشد به شکل مفعول به می‌توان آن را ترجمه نمود. مَنْجَرْنَا الْأَرْضَ عَيُونًا = زمین را از نظر چشمه‌ها شکافتیم، یا چشمه‌های زمین را شکافتیم
- مبحث ترجمه و تعریب نیز مانند مبحث درك مطلب و تجزیه و ترکیب از بحث‌های مهم درس عربی می‌باشد که برای فهم بیشترش نیاز به دقت و تمرکز روی نکاتش - که توضیح داده شده است - دارد. لذا توصیه می‌شود: قبل از پاسخ‌گویی به تست‌های این مبحث، ابتدا قواعد و نکاتش را با دقت آموخته و سپس به حل تست‌ها پردازید. سرعت در حل تست‌های ترجمه و تعریب رمز اساسی برای موفقیت است. و سرعت بالا در تست‌زنی نتیجه‌ی درك عمیق مبحث می‌باشد